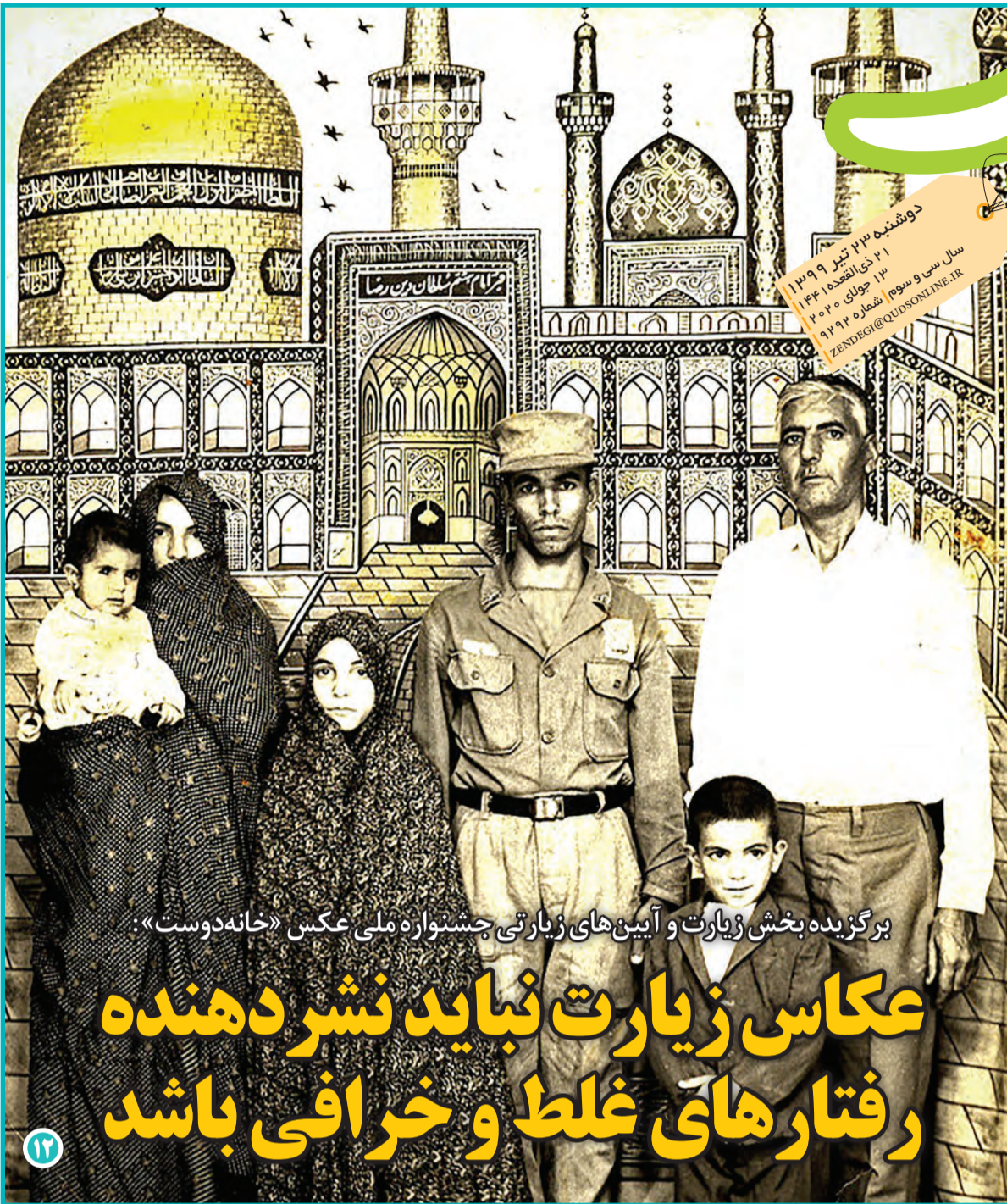




نویسنده‌ای که متن کهن نخواند، بی سواد است

گفت‌وگوی مجید اسطیری با حمید بابایی به انگیزه انتشار رمان «چهل و یکم» درباره قیام مسجد گوهر شاد



دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۹۹
۲۱ خرداد ۱۳۹۹
۳۱ جولای ۲۰۲۰
شماره ۹۱۹۹۶
ZEMDE@QQ.COM/ONLINE.IR

برگزیده بخش زیارت و آیین‌های زیارتی جشنواره ملی عکس «خانه دوست»

عکاس زیارت نباید نشر دهند رفتارهای غلط و خرافی باشد

۱۲



ورزش

سازمان لیگ به دنبال سند و مدرک علیه آبی‌ها

سرنوشت استقلال - پارس جم در هاله‌ای از ابهام

قلعه نویی در به در تیم

سرگردانی ژنرال در دوراهی کرمان و تهران



سعید عبدولی: اگر کرونا بگیرم، باید بمیرم!

با چند مدال جهانی و المپیک بیکارم

روزمره نگاری

تولد هیچ وقت از دهان نمی‌آفتد



رقیه توسلی: دیروز زدم به سیم آخر. دیدم نه، این طوری نمی‌شود. بی ردوبدل جمله‌ای رفته دست خانوم جوان را چسبیدم و نشاندم روی صندلی. بنده خدا چیزی نگفت. فقط مات و وحشت زده و یکوری نگاهم کرد. آینه را دام بقلش و شروع کردم به شانه زدن موهایش. از لای تارهای افشان می‌دیدم که هنوز نمی‌فهمد. اما مهم نبود. بالاخره توی اوضاع بهم ریخته یکی باید رابین هود باشد. از آنجا که می‌شناختمش، موزیکی را پاشیدم توی سکوتمان. همان که خیلی دوست دارد. همان که می‌دیدم توی خلوت به آن گوش می‌دهد. از جناب افتخاری خوش محضر خواستم که بخواند.

آن وقت در پلک زدنی، جای لیوانی معرکه‌تر از جای قنبر گذاشتم کنار دستش و قلم آخر را قورت داده - نداده، هولش دادم سمت تلفن. آن پشت، نور علی نور بود. دعوتش کردم به زیارت امام رضاع) و زیارت آدمی که جانش بد لیخند اوست. او که سلامش را هر بار علیک که می‌گیرد دوباره به دنیا می‌آید. زیارت «عزیز» جانش. انگار داشتم از پس رابین هود بودن برمی‌آمد چون گره ابروانش می‌رفت به ملایم‌تر شدن و هی سرخوشانه دست می‌کشید به گوش‌های بی گوش‌اراش. چون دیگر احساس می‌کردم دلتنگ غار نیستم.

پس تعقل نکردم. قفسه فیلم‌ها را نشاناش دادم و با هم خرامان خرامان رفتیم سراغ کارگردان‌ها و بازیگران محبوبش. در معیت سی‌دی‌ها و فلش‌هایی که این عرضه را داشتند دویل، سر دوشش بیابورند. طفلکی خانوم جوان... تا به خودش بچینید دید گوشش اش، فوران پیام است... پس که چی...؟ رابین هود، خیره کارش است و امان از روزی که بزند به سیم آخر... رابین هود از سر صبح همه را خیر کرد که تولد داریم، چه تولدی! ساعت داشت نرم نرمک می‌رفت سمت ۱۱ که زنگ خانه خورد. پیک بود. به خانوم جوان گفتم لطفاً شما زحمتش را بکشید.

می‌دانستم متبسم و ماسک زده می‌رود سمت در و خندان و کفیور برمی‌گردد پیشام. می‌دانستم دلگرم می‌شود. چند دانه از قندیل‌های غار غصه‌اش می‌آفتد صورتش می‌شکند شکل همان‌وقت‌ها که کرونا نبود. می‌دانستم هر متولدی، دلشادی‌های خودش را می‌خواهد و پسند آدم‌ها با هم فرق می‌کند. می‌دانستم این خانوم جوان، الساعه گنج را آن قدر دوست نمی‌دارد که هدیه کتاب‌های صوتی را. **پی نوشت:** خوشحالم که رابین هودم. آدم درونم دارد می‌خندد. خانوم جوانی که رفته بود در سیاهی غار.

پیشنهاده: تولد هیچ وقت از دهان نمی‌آفتد. تلافی جشن‌های نگرفته بماند برای پساگردنا آن‌وقت که دل سیر بشود هم را در آغوش کشید.

باور می‌کنید؟



دبستان «الیزابت»

فؤاد آگاه: فرض کنید کرونا تمام شده و رفته بی کارش. شما هم بعد از چند ماه خانه نشینی، شال و کلاه کرده و راهی سفر شده‌اید. در چنین مواقعی برای اهالی سفر، استان کهگیلویه و بویراحمد گزینه جذابی است. حالا فرض کنید در سفر به این استان، گذرگاه به روستای «لما» در ۴۰ کیلومتری جاده اصفهان به یاسوج افتاده است. علاوه بر سایر چیزهایی که ممکن است در این سفر شما را متعجب کند، بدون شک دیدن تابلو «دبستان الیزابت» در روستایی دورافتاده، بیشتر از همه باعث تعجب شما خواهد شد. اگر برایتان سوال پیش آمده که این الیزابت در روستای «لما» چه می‌کرده است می‌توانید گزارش دیروز «فارس» از این روستا و دبستانش را بخوانید. اما اگر حوصله خواندن گزارش را ندارید ما خلاصه می‌گوییم که ماجرا به سال ۱۳۸۵ برمی‌گردد که یک معلم جهانبگرد و کوهنورد آلمانی به نام «برند رز» گذرش به ایران می‌افتد. او با دوستانش در لای هتل در ترکیه مشغول سبک و دستگیر کردن سفر به ایران است و درست وقتی دوستان موفق شده‌اند به بهانه امنیت نداشتن ایران، رای او را بزنند، مترجمی ایرانی متوجه صحبت‌هایشان می‌شود و آن‌ها را ترغیب به سفر به کشورمان می‌کند. خلاصه «برند رز» به ایران آمده و به کوه‌های اطراف «لما» صعود می‌کند و بعد برای استراحت به روستا برمی‌گردد. همه مردم روستا با بضاعت کمی که داشتند، میزبان برند رز می‌شوند. از کوچک‌ترین کودک تا ریش سفیدترین فرد روستای لما از این معلم آلمانی استقبال کردند. بیش از یک هفته مردم روستا با بضاعت کمی که داشتند، بهترین میزبانی را کردند و حق میهمان نوازی ایرانیان را به جای آوردند. در واقع خانواده‌های نبود که از برند رز میزبانی کنند. برند رز در این اقامت یک هفته‌ای متوجه می‌شود روستا از لحاظ امکانات رفاهی و آموزشی بسیار محروم است. وقتی وضعیت کودکان آنجا را با وضعیت دانش‌آموزان و فرزند خودش مقایسه می‌کند، انگار غمگین می‌شود و به فکر چاره می‌افتد. آخر کار هم با مشارکت اداره کل نوسازی مدارس، مدرسه‌ای سه کلاس در روستا می‌سازد و چون به دخترش خیلی علاقه دارد نام «الیزابت رز» را برای مدرسه انتخاب می‌کند. در گزارش فارس البته به این مطلب اشاره نشده که معلم آلمانی در سال ۸۵ با ۲۰ هزار یورپی که از حقوقش پس‌انداز کرده بود و آن زمان معادل ۲۶ میلیون تومان ما می‌ارزید، سنگ بنای احداث مدرسه را می‌گذارد و نامش در فهرست خیران مدرسه ساز در ایران ثبت می‌شود. برند رز با این عملش ثابت می‌کند، کار خیر و خوب، دین و مذهب و مرزهای جغرافیایی را نمی‌شناسد.

نوید محمدزاده، از سیمرغ بلورین تا عطر فروشی در اینستاگرام

از اسب افتاده!



محمد تربت‌زاده: هر چند این بار ماجرا از تبلیغات «نوید محمدزاده» آغاز شده اما سابقه حضور سلبریتی‌ها در تبلیغات دم‌دستی برنده‌های مختلف تقریباً برمی‌گردد به حدود ۱۰ سال پیش. البته حضور چهره‌های شاخص در تبلیغات برنده‌های مختلف در سراسر دنیا امری پذیرفته شده است ولی پس از گذشت ۱۰ سال از راه افتادن این نوع تبلیغ‌ها در ایران، هنوز خیلی‌ها با آن کنار نیامده‌اند و مدام سلبریتی‌ها را برای حضور در تبلیغات مختلف مورد انتقاد قرار می‌دهند. دلیل این موضوع هم احتمالاً برمی‌گردد به فرهنگ متفاوت ما با سایر مردم جهان و همچنین نوع تبلیغات برنده‌های داخلی که زیاد به دانه مخاطبان خوش نمی‌آید. با این حال ایسن روزها پس از حضور نوید محمدزاده در تیزرهای تبلیغاتی آیمپوه، یک بار دیگر این حواشی سر زبان‌ها افتاده است. حواشی‌ای که پس از تولید عطر شخصی این بازیگر، به اوج رسید و بسیاری از چهره‌های شاخص در این زمینه از جمله مسعود فراسی را به واکنش واداشت.

سمیه‌نرو

ماجرا از اواخر اردیبهشت آغاز شد، زمانی که محمدزاده در تبلیغات یک برند مشهور آیمپوه حضور پیدا کرد. نحوه حضور او در این تیزر تبلیغاتی مورد توجه مردم و منتقدان سینما قرار گرفت. کاربران فضای مجازی آن زمان با داغ کردن هشتگ نام نوید محمدزاده در توئیتر، حسابی با حضور آقای بازیگر در تبلیغات آیمپوه، شوخی کردند. کاربری نوشت: «نوید محمدزاده این همه نقش معناد و بدبخت بیچاره رو بازی کرد که حالا بیاید آیمپوه تبلیغ کنه؟ تو باید حداقل سیگار تبلیغ می‌کردی به خودت بیا مرد!» هر چند نوید محمدزاده همان زمان بابت حضور در تبلیغات این برند آیمپوه مورد انتقادهای شدید قرار گرفت، اما این پایان فعالیت تبلیغاتی او نبود و مدتی بعد با انتشار پستی در صفحه اینستاگرامش اعلام کرد یک برند عطر را با نام خودش پایه‌گذاری کرده است!

پس از این ماجرا، کاربران یک بار دیگر هشتگ نام نوید محمدزاده را در توئیتر فارسی داغ کردند. یکی از کاربران در این باره نوشته بود: «بعد از باشگاه تو زحمتن عطر نوید محمدزاده رو زدم، از در باشگاه که خواستم پیام بیرون مدیریت گفت سمیه نرو». کاربر دیگری هم در واکنش به قیمت نجومی این عطر نوشته بود: «تازه فهمیدم عطر نوید محمدزاده ۵۰ هزار تومن! حتی اگه حاوی تکه‌های واقعی نوید محمدزاده هم باشه باز گرونه!»

جهان سومی هستند!

ایسن بار تبلیغات از فضای مجازی هم فراتر رفت و به صداوسیما و رسانه‌ها رسید. بحث‌برانگیزترین انتقاد از نوید محمدزاده در برنامه تلویزیونی «هفت» رخ داد. محمدتقی فهیم، کارشناس این برنامه در بخش نام بردن از نوید محمدزاده با اشاره به حضور او در تبلیغات گفت که این روزها سلبریتی‌ها فروشنده کالا شده‌اند.

مسعود فراسی هم در ادامه صحبت او، در این باره گفت: «متأسفم برای بازیگری که ازش دفاع کرده بودم». فراسی همچنین گفت که ممکن است با این کارها دافعش را پس بگیرد. پس از این انتقادهای نوید محمدزاده در گفت‌وگو با فریدون جبرانی در برنامه «کافه آپارات» به این انتقادهای پاسخ داد.

او در دفاع از تصمیمش برای ورود به عرصه تبلیغات، خودش را با چهره‌های خارجی مانند ابرت دنبرو، کریستیانو رونالدو و لیونل مسی مقایسه کرد و گفت: «کسانی که من را به خاطر عطر من مسخره کردند، جهان سومی هستند!»

دام چرب و شیرین

پس از دفاع محمدزاده از حضورش در عرصه تبلیغات، محمدتقی فهیم که انتقاد از این بازیگر را در برنامه هفت کلید زده بود این بار در فضای مجازی نوشت: «به خارج کاری ندارم، اما در میان داخلی‌ها توجه کنید، آن‌هایی که محمدزاده در پوشش از اسب افتاد و این یک فاجعه است. نوید توید نکرد که امین حیایی در ایام دلاوری «عصر جدید»، سس فروش شده است و آنتیلا پسیانی در زمانی که دیگر تلفنش زنگ نمی‌خورد بای‌چای فروشی را باز کرد و...»

کار جاق کن و پورسانت‌بگیر

هوشنگ گلگمانی، سردبیر مجله فیلم هم پس از بالاگرفتن حواشی تولید عطر توسط نوید محمدزاده در فضای مجازی نوشت: «به عنوان تحسین‌کننده هنر بازیگری نوید محمدزاده، بدون ملامت او بابت حضورش از «حسد» که هیولای پر کار در دیار ماست...»

مجاز آباد

مجلس امید



با وجود حرف و حدیث‌های ضد و نقیضی که طی چند روز گذشته و هفته‌های پیش از سوی برخی کارشناسان و تحلیلگران درباره رهبر معظم مطرح شده بود، سخنان مجلس یازدهم کم سابقه بود. سید محمود رضوی تهیه‌کننده فیلم «ماجرای نیمروز» هم در این باره در توئیتر نوشت: «تعاریف کم سابقه رهبر معظم انقلاب از مجلس یازدهم؛ مجلس امید و انتظار مردم از قوی‌ترین و انقلابی‌ترین مجالس پس از انقلاب؛ متشکل از جوانان پرانگیزه با ایمان و پر توان تحصیلمکرده و کارآمد مدیران انقلابی و اجرایی پیشکسوتان دارای سوابق نمایندگی مجلسی بسیار خوب و امیدبخش به‌درخورد».

از جاسوس‌ها غافل نشویم



مهدی عسگری، نماینده مجلس با انتشار پستی در صفحه توئیترش، ضمن اشاره به حضور مداوم بازرسان آژانس انرژی اتمی در نیروگاه‌های کشورمان، در ارتباط با ماجرای نطنز نوشت: «در ماجرای نطنز که چند چهره از راه واکاوی است از این موضوع نگذریم؛ هر جا پای بازرسان آژانس باز شد دچار خسارت شدیم، منافع ملی و بدعهدی طرف غربی حکم می‌کند دولت هرچه زودتر اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را لغو و دسترس‌ی (جاسوسی) بازرسان آژانس به مراکز حساس کشور به شدت محدود شود.»

چادر یک پارچه ساده نیست



کاربران فضای مجازی هم‌زمان با هفته حجاب و عفاف، با انتشار چندین هشتگ مختلف در توئیتر توفسان مجازی به راه انداختند. در ادامه بخشی از توئیتهای منتشر شده توسط کاربران را می‌خوانید: «دلیل و فلسفه انتخاب من جدای از امر الهی، احترام به خودم و دیگران بوده و اینکه من رو اول انسان ببینند نه زن... چادر روی سر من یک پارچه ساده نیست، یک نماد است، یک پرچم است که بابت آن خون دل‌ها خوردیم... قرار است با حجاب جلوه جلالمان را به تصویر بکشیم نه جلوه جمالمان را.»

تظاهرات در تل آویو



صفحه اینستاگرام لیبیانیران با انتشار تصاویری از برگزاری تظاهرات مردمی در تل آویو نوشت: «هم اکنون در تل آویو تظاهراتی در جریان است که در آن مردم به علت بحران کرونا و تعطیلی بسیاری از دولت بیکاری، از دولت درخواست کمک فوری دارند. میلیاردها دلار کمک نظامی و غیر نظامی از آمریکا به این کشور می‌رسد که خرج جنگ‌طلبی و توسعه‌طلبی و تمامیت‌خواهی و اشغالگری می‌شود و با وجود آن‌همه ادعا در زمینه تکنولوژی و علم و امکانات، درآمده چند دستگاه و تیلیاتور بودند در حدی که سازمان‌های امنیتی آن به سرعت و تیلیاتور در نقاط مختلفی از دنیا پرداختند.»



در حوالی داستان



annotation@qudsonline.ir

کاربران پارسی‌زاد/ نویسنده و منتقد

تغییر گروه‌بندی کتاب‌های کانون بر چه اساسی است؟
گونه‌بندی سنی مخاطبان کتاب‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، با ایجاد تحولات بزرگ جهانی عاقبت دگرگون شد و به تازگی مسئولان کانون قسمت‌بندی نوینی برای آثار خود مطرح کردند.
کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، در دی ماه ۱۳۴۴ فعالیت خود را آغاز کرد. کانون از برجسته‌ترین تولیدکنندگان و ناشران کتاب‌های کودکان و نوجوانان در ایران به شمار می‌رود، نکته مهم و درخور تعجب این است که گرچه کانون در این سال‌ها فقط برای کتاب‌های خود گونه‌بندی می‌کرد، اما جایگاه و اعتبار کانون در این حوزه به حدی بود که گونه‌بندی خصوصی کانون به‌همه‌جا تعمیم داده می‌شد. هم‌کنون این تغییر دسته‌بندی همه گیر خواهد شد و اتفاق بزرگی رقم خورده است.

قابل ذکر است، ملاک گونه‌بندی سنی کودک و نوجوان صرفاً به منظور جداسازی آثار گوناگون کانون بوده و اثری که برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود، به گفته خود کانون براساس حجم کتاب، تعداد صفحات، میزان نقاشی‌ها و نوع مطلب، به ۶ دسته مختلف تفکیک می‌شدند: گروه الف: سال‌های پیش از دبستان، گروه ب: سال‌های آغاز دبستان (کلاس‌های اول، دوم و سوم)، گروه ج: سال‌های پایان دبستان (کلاس‌های چهارم، پنجم و ششم)، گروه د: دوره اول متوسطه (کلاس‌های هفتم، هشتم و نهم) و گروه ه: دوره دوم متوسطه (کلاس‌های دهم، یازدهم و دوازدهم).

پیش از این مسئولان کلونون مدعی بودند این گونه‌بندی براساس اصول روان‌شناسی کودکان صورت گرفته‌است، اما هیچ‌گاه دلیل علمی و تخصصی که طبقه‌بندی‌را از جنبه روان‌شناختی توضیح بدهد مطرح نکردند و کسی هم پیگیر نشد چرا و براساس چه قصه‌ی چنین طراحی اجرا شد. ما کنون با خبر شدیم کانون گونه‌بندی جدیدی را براساس اصول مناسبات حاکم بر تحولات جهانی ارائه کرده‌است، اما باز هم توضیح کامل و جامعی در خصوص تحولات بزرگ اجتماعی و فرهنگی و بازناب آن در گونه‌بندی مطرح شده، ارائه نشده است. انکار فرهنگ اعمال تغییرات بدون پشتوانه پژوهشی و تحقیق در ایران نهداینده شده و به محلیه متولیان امور فرهنگی هم نمی‌رسد که در دنیای پر زرق و برق غرب کاملاً مسائل واکاوی و مطرح می‌شود.

صرف‌بیان این مسئله که تغییرات شکل گرفته براساس درخواست بسیاری از کارشناسان حوزه ادبیات و تعلیم و تربیت کودک و نوجوان با توجه به تغییر نظام آموزشی و در عین حال تغییرات نسلی و دانشی مخاطبان، بر ضرورت ارائه دسته‌بندی جدیدی روی کتاب‌های کانون و دیگر ناشران این حوزه کافی نیست و می‌طلبد در این راستا مسئله کاملاً تبیین شود. همان‌طور که گفته شد دیگر ناشران و حتی کارشناسان مربوط طبقه‌بندی پیشین را مورد استفاده قرار دادند. حال که گونه‌بندی دچار تغییر شده دلیل علمی آن با ذکر سیر تحولات بنیادین جهانی مطرح شود.

در دسته‌بندی جدید، گروه‌های سنی همچون ++ «نوزاد» +۲، «گوسگ» +۴ «نوباوه» +۷، «نوجوان» +۹، «نوجوان» +۱۲، «نونگه»، +۱۵ «جوجوان» و «ولیبای تربیتی، مربیان و پژوهشگران» نام‌گذاری شده است. در ساختار جدید، کمتر سنی لازم برای مطالعه، پشت جلد کتاب‌ها درج شده و سقفی برای هر گروه سنی تعیین نشده بلکه فقط ابتدای آن اعلام شده است. پرسش اینجاست وقتی سقفی اعلام نشود لاجرم میان گروه‌ها داخل و سر درگمی ایجاد می‌شود. در واقع با برداشتن سقف سنی گونه‌بدها، تداخل مرزی میان گونه اول و دوم نادیده گرفته می‌شود و آثار در هم تلفیق می‌شوند.

سال‌های درازی است کانون دیگر فاقد آن جریان تأثیرگذار و بنیادین است و به نوعی در حال در جا زدن است، می‌طلبد مسئولان کانون فقط به اقدام‌هایی چون تغییر رده‌بندی بسنده نکنند و تحولات بنیادینی را در ساختار سازمان ایجاد کنند. آنچنان که در غرب سازمان‌های فرهنگی و ادبی کار نوشتن داستان را بر عهده خود نوجوانان قرار داده‌اند، کاری که در ایران رسم نشده که نویسندگان نوجوان این فرصت را بیابند که آثارشان را منتشر کنند. ایجاد فرایند تولید اثر توسط نوجوانان می‌تواند در دستور کار کانون قرار بگیرد.

خبر

دفتر برگزاری نمایشگاه کتاب تهران در سال ۹۹ بسته شد



فرهنگ و ارشاد اسلامی، از برگزار نشدن سی و سومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در سال جاری خبر داد. رئیس نمایشگاه کتاب تهران ادامه داد: چیزی به عنوان نمایشگاه کتاب تهران که شامل همه بخش‌ها باشد و ناشران به دور هم جمع شوند و مخاطبان از آن بازدید داشته باشند، برگزار نخواهد شد.
جوادی گفت: برنامه‌های دیگری به عنوان جایگزین تدارک دیده خواهد شد که به زودی در این زمینه اطلاع‌رسانی خواهیم کرد. پیش از این وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تصمیم‌گیری درباره برگزاری نمایشگاه کتاب تهران را به ستاد مقابله با کرونا واگذار و پیشنهاد برگزاری آن برای دوره زمانی سرداد تا مهر را مطرح کرده بود. گروه فرهنگی قدس آنلاین پیشتر در ۱۵ فروردین امسال و با توجه به وضعیت کشور در همه‌گیری ویروس کرونا، پیشنهاد داده بود این نمایشگاه امسال لغو شود.

هجدهمین جشنواره نمایش عروسکی نیمه اسفندماه برگزار می‌شود

قدر آشنا، مدیر اداره کل هنرهای نمایشی بااعضای شورای سیاست‌گذاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک عروسکی تهران- مبارک دیدار کرد. در این جلسه که با حضور پرورده و اردشیر صالح‌پور به عنوان اعضای شورای غریب‌پور، مرصیه برونمد، اردشیر صالح‌پور به عنوان اعضای شورای سیاست‌گذاری هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک برگزار شد، مدیرکل هنرهای نمایشی در خصوص لزوم حفظ استقلال هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک تعیین تاریخ برگزاری و انتخاب دبیر در بی‌درگشت زنده‌یاد گلزار محمدی با ایشان به گفت‌وگونیشت.

براین اساس مقرر شد دبیر هجدهمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران- مبارک در هفته پیش رو معرفی و این جشنواره با حفظ استقلال از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر در نیمه اسفندماه سال جاری برگزار شود.

گفت‌وگوی مجید اسطیری با حمید بابایی به انگیزه انتشار رمان «چهل و یکم» درباره قیام مسجد گوهر شاد

نویسنده‌ای که متن کهن نخواند، بی‌سواد است

ادب و هنر | حمید بابایی، نویسنده‌ای است که بسا دو رمان «خاک سفید» و «پیاده» خودش را به عنوان یک چهره جدی به ادبیات داستانی ما معرفی کرد.

وی در سومین رمانش به سراغ یکی از وقایع مهم و سرنوشت‌ساز تاریخ معاصر ما یعنی واقعه گوهرشاد رفته است. رمان «چهل ویکم» که توسط نشر «صاد» منتشر شده است، داستان زندگی و توبینصوح شخصیتی را روایت می‌کند که به واسطه شغلش در صف اشقیابا ایستاده و در واقعه گوهرشاد تنگفک به دست داشته است. «ادریس» اگرچه به کسی شلیک نکرده، اما نمی‌تواند خودش را به خاطر کوتاهی‌اش ببخشد.

به پنهان سالگرد واقعه گوهرشاد گفت‌وگوی «مجید اسطیری» با «حمید بابایی» را بخوانید.

♦ **رمان «چهل و یکم» مخاطب را به مقطع حساسی از تاریخ معاصر ما می‌برد، بر آمدن رضاخان و برافتادن نقاب مذهبی او، قاعدتاً نوشتن در مورد آن زمان سختی‌های خاص خودش را دارد که مهم‌ترین آن، فاصله تاریخی است، تحقیقات شما چگونه انجام شد؟**

پیش از پاسخ دادن به پرسش‌تان، فکر کنم بد نیست به ایده اصلی رمان اشاره کنم. گمانم سال ۹۴ یا ۹۵ بود که داستان کوتاهی نوشتم با ایده حادثه گوهرشاد. البته همان وقت به واسطه علاقم به تاریخ معاصر مطالعاتی پیرامون این مسئله داشتم، اما وقتی بحث نگارش رمان به میان آمد، دوباره سراغ مطالعات تاریخی رفتم. مثلاً آیا در آن زمان کبریّت بود؟ سیگار از چه تاریخی در ایران استعمال می‌شد؟ این در مورد مسائل جزئی‌تر که در رمان می‌آمد، مهم نبود. اما در بیان کلی‌تر و کلان‌تر، خود حادثه مهم شد. در واقع باید برای خودم روشن می‌شد چه عواملی موجب چنین حادثه‌ای شد؟ به هر جهت با هر رویکردی به این مسئله نگاه کنیم، این حادثه و کشته شدن مردم قایل دفاع نیست و جزو اشتباه‌های فاحش پهلوی اول است. صادقانه بگویم برای من مهم بود تا آنجا که می‌توانم نسبت به این حادثه رویکرد بی‌طرفانه‌ای اتخاذ کنم. یعنی به هر سمتی غش می‌کردم، مخاطب من را متهم به چیزی نمی‌کرد. برای همین سعی کردم در میانه بمانم و روایت خودم را از تاریخ بدهم. به هر حال ما نیاز داریم به تاریخ بپردازیم و از دل روایتهای آن، ایده‌های جذابی را انتخاب و روایت کنیم. در عین حال برای چیزی که من می‌خواستم روایت کنم، این بستر و حادثه تاریخی بسیار خوب و جذاب بود.

♦ **در واقع گویا نویسنده می‌خواهد روی این نکته تأکید کند که اولین کاربرد ارتش رضاخانی، علیه مردم ایران بود. درباره رویکردتان به این مسئله توضیح بفرمایید.**

نمی‌دانم قطور باید پاسخ شما را بدهم، اما پس از رخ دادن این حادثه، حکومت مرکزی وارد عمل شد و دستور تحقیق و تفحص داد و وعده‌ای هم محاکمه و برخی هم قربانی این حادثه شدند.

در واقع تملل نیروهای نظامیه موجب شد ارتش وارد عمل شود. البته این برداشته من بود. چه چیزی که من از اسناد خواندم و درک کردم، همین بود. خوب این نگاه من است و شاید دیگران موافق این مسئله نباشند. صادقانه بگویم من چنین رویکردی نداشتم



برش

در این رمان اختیار و مفهوم اخلاق و عمل اخلاقی برای من مسئله بود. چیزی که در زمان اکنون هم می‌تواند برای بسیاری از ما مسئله باشد و به آن بپردازیم. اینکه مثلاً رئیس ما به ما دستور می‌دهد: خلاف کنیم، مجاز به عمل آن هستیم یا نه؟

رویکرد نسبی‌گرایانه‌رد می‌کنیم. ساده‌تر بگویم مثلاً دروغ می‌گوییم و این را با مسئله اخلاقیات مرتبط می‌کنیم و می‌گوییم خواستم جلو شر بزرگ‌تری را بگیرم. خیانت می‌کنیم و نای ۱۰۰ مسئله دیگر را به میان می‌آوریم. من با این نسبی‌گرایی میانه‌ای ندارم.

در حوزه اخلاقیات به نظرم مسئله نسبی نیست، اما همان‌طور که اشاره کردم مسئله جبر و اختیار مفهوم مورد علاقه من است.

♦ **ادریس که قهرمان داستان شماست توبه می‌کند نه به خاطر کشتن کسی بلکه به خاطر قرار گرفتن در صف اشقیابا. همه این‌ها مخاطب را به سمت مسئله انتخاب و مسئولیت رهنمون می‌شود. این قابلیت سالیانه‌را پیدا می‌کند که هر کسی در هر زمانی از خودش بپرسد در چه صغی ایستاده‌ام. این بسیار قابل ستایش است،**

گفت‌وگوی مجید اسطیری با حمید بابایی به انگیزه انتشار رمان «چهل و یکم» درباره قیام مسجد گوهر شاد

نویسنده‌ای که متن کهن نخواند، بی‌سواد است



اما چرا ادریس تا آن روز این پرسش را از خود نمی‌پرسید؟

ببینید، قهرمان داستان نیاز به یک تلنگر داشت تا با واقعیت زمانه خود روبرو شود. در عین حال نباید نقش همسرش را در مورد این مسئله نادیده گرفت. در واقع ادریس به واسطه گل‌نسا به این شناخت می‌رسد. شاید ما هر روز شاهد مسائل مختلفی باشیم، اما واکنش نداشته باشیم. اما در یک لحظه خاص، در بسک آن گویی همه چیز به هم می‌ریزد. تحول انسان‌ها برعکس آن چیزی که تلوزیون به صورت طنز نشان می‌دهد، یکباره و با یک تلنگر است. حکایتی در مورد عارفی وجود دارد که او مبارزی دلیر بود. با خودش عهد می‌کند در این نبرد در صف اول باشد و هنگامه نبرد فریاد بزند که صدایش را همه بشنوند. وقت نبرد که می‌رسد، فریاد می‌زند: از خودش می‌پرسد اینجا چه می‌کند؟ چرا باید خون کسی دیگری را بریزد؟ این همان تلنگر است. مسئله دیگری که باید به آن دقت کرد این است که تاریخ و حوادث تاریخی برای ما بستری است که داستانی را روایت کنیم که در سایر زمان‌ها خوانده شود. برای همین من به تذکره‌الاولیای عطار تمسک جستیم و به سراغ متنی رفتم که در تمام زمان‌ها برای ما می‌تواند راهگشا باشد.

♦ **قطور شخصیت ادریس در ذهن شما شکل گرفت و این زاویه‌دید جدید را کشف کردید؟**
ادریس از ابتدا بود. در واقع هم در داستان کوتاه ادریس حضور داشت و هم رمان، اما شخصیتی

♦ **ادریس که قهرمان داستان شماست توبه می‌کند نه به خاطر کشتن کسی بلکه به خاطر قرار گرفتن در صف اشقیابا. همه این‌ها مخاطب را به سمت مسئله انتخاب و مسئولیت رهنمون می‌شود. این قابلیت سالیانه‌را پیدا می‌کند که هر کسی در هر زمانی از خودش بپرسد در چه صغی ایستاده‌ام. این بسیار قابل ستایش است،**

تازه‌های نشر

تازه‌های نشر

سوره مهر: «خیابان ۲۰۴»
به عنوان جدیدترین اثر زهرا کاردانی با روایتی متفاوت از حادثه تلخ «منه» این روزها از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. زهرا کاردانی پیش از این با کتاب تحسین شده «زن آقا» توانسته بود کلی مخاطب برای خود دست و پا کند. کتاب «زن آقا» با روایتی صادقانه و بی‌آلایش از سبک زندگی خانواده‌های جامعه روحانیات است که توانست به جلد هفتم هم برسد.

زهرا کاردانی این بار با کتاب «خیابان ۲۰۴» اتفاق‌های هیجان‌انگیزی را برای مخاطبان کتاب رقم زده است. نویسنده تلاش کرده با گفت‌وگو با افراد مختلف که به نوعی در این ماجرا حضور داشته‌اند، نمایی کلی از این ماجرا ارائه دهد و برای پرسش‌های بسیاری که هنوز در ذهنان عمومی باقی است، پاسخی ارائه دهد.

کتاب در چهار بخش به شرح این حادثه می‌پردازد. بخشی از روایته‌ها مربوط به شاهدان عینی است که فاجعه منا را از نزدیک دیده و لمس کرده‌اند، بخش دیگر کتاب از زبان گروه تفحص شهیداست که از همان اولین لحظات مشغول امدادرسانی شده و تا آخرین فرصت به دنبال شهدا بوده‌اند. بخش‌های دیگر کتاب نیز به شرح مواقع از زبان خانواده‌های شهدا و همراهان آن‌ها روایت می‌شود.

هنرهای تجسمی

برگزیده بخش زیارت و آیین‌های زیارتی جشنواره ملی عکس «خانه‌دوست»:

عکاس زیارت نباید نشردهنده رفتارهای غلط و خرافی باشد

مهديه قمری: یک هنرمند عکاس، توجه به رسوم، آیین‌ها و مناسبت‌ها، اهدافی که مراسم دنبال می‌کنند و میزان همراهی مردم با این مراسم و مناسبت‌ها را، از ویژگی‌های عکاسی زیارت برشمرد.



محمدهادی خسروی که چندی پیش برگزیده بخش زیارت و آیین‌های زیارتی جشنواره ملی عکس «خانه‌دوست» شده بود، ضمن مطالب گفته شده، در خصوص ویژگی‌های عکاسی زیارت، افزود: یک عکاس زیارت باید مراقب آسبهبای عکاسی آیینی و زیارتی و حس و حال زائران باشد. گاهی عکس‌ها نشردهنده رفتارهای غلط، خرافی و باطل (که متأسفانه در میان برخی اقوام و فرهنگ‌های مختلف هم وجود دارد) هستند که عکاس باید مراقب این آسبب‌ها باشد.

خسروی ادامه داد: عکس‌های زیارتی معمولاً پیام‌هایی را برای مخاطبان خواهند داشت. عکاس باید نسبت به سلامت این پیام احساس مسئولیت داشته باشه و دغدغه‌مند عکاسی کند.

این عکاس در خصوص دغدغه‌هایش برای عکس‌های زیارتی گفت: به عنوان یک هنرمند مسلمان، پرداختن به موضوعات دینی و مذهبی را فقط به خاطر علاقه عکاسانه انجام نمی‌دهم بلکه معتقدم در فضای رسانه‌ای فعلی که جنگ رسانه‌ای هم در جریان است، این نوع عکاسی یک وظیفه است که نباید روی زمین بماند و به نحو احسن باید انجام شود.

خسروی با بیان اینکه موضوع زیارت و اماکن مذهبی هم بخشی از موضوع‌های دینی و مذهبی هستند، حضور در شیراز و حرم‌مطهر احمدین موسی شاهچراغ (ع) و امامزادگان واجبت‌التعمیم دیگر این شهر را از دلایل علاقه‌اش به عکاسی زیارت

«راوی نامطمئن» با امضای شاعر به دست مخاطبان می‌رسد

آنیما: «راوی نامطمئن» عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر منتشر شده حامد ابراهیم‌پور است که توسط انتشارات آنیما با بهای ۲۵هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفت. جشن امضای اینترنتی این کتاب تا پایان تیر در سایت نبض هنر پرباست و کتاب‌ها با امضای شاعر در مرداد ماه به دست علاقه‌مندان می‌رسد. شهرت حامد ابراهیم‌پور به غزل‌سرایی و تجربه‌های فرمی و زبانی در غزل معاصر ایران است، اما او تجربه‌های موفقی نیز در شعر سپید داشته که از میان آن‌ها می‌توان به مجموعه شعر «مخاطب» به هزار دلیل دوست‌دارم» اشاره کرد که توسط انتشارات فصل پنجم در دسترس مخاطبان قرار گرفت. «راوی نامطمئن» از دیگر تجربه‌های سپیدسرایی حامد ابراهیم‌پور است. با هم اثری از این مجموعه را می‌خوانیم.

زندگی در وقت اضافی

تن نداری
وطن نداری
و برنده تیر خورده‌ای که می‌داند

هیچ وقت به آشیانه باز نمی‌گردد
به عاشق شدن فکر نمی‌کند

و برنده تیر خورده‌ای که می‌داند

هنرهای تجسمی

برگزیده بخش زیارت و آیین‌های زیارتی جشنواره ملی عکس «خانه‌دوست»:

که خودش را به رمان تحمیل کرد، میرعماد بود. میرعماد قرار نبود در رمان باشد، اما وقتی داستان را می‌نوشتم صدایی می‌شنیدم، صدای میرعماد بود که می‌گفت: ... من کاتبم... دیدم این صدای ادریس نیست. در واقع میرعماد است که حرف می‌زند. ادریس روایت خود من است، احساس می‌کنم خیلی وقت‌ها همه ما به واسطه شرایطی که در جاهای مختلف تجربه کرده‌ایم و باید حرف می‌زد‌هایم و سکوت کرده‌ایم، باید توبه کنیم. بابت دیدن ظلم و سکوتی که کرده‌ایم در صف اشقیبا هستیم و فردای قیامت باید پاسخ دهیم. من اما شاید شجاعت ادریس در توبه و بیان را نداشته‌ام. کشف زاویه‌دید، کشف وجه دیگری از خودم بود، به عنوان نویسنده این متن. بخوام صادق باشم این را هم باید بگویم، ما همیشه از وجه مثبت ماجرا به داستان نگاه کرده‌ایم. یعنی اینکه یک طرفی هست که حق است و باید فقط صدای آن‌ها را شنیدم. من مخالف این نگاهم. این نگاه ادبیات نمی‌سازد. ادبیات یعنی پرداختن به همین مسائل و نگاه کردن از این وجوه و رفتن به دل شر و نوشتن از آن.

♦ **حضور یک خطاط عارف‌مسلسک در کنار شخصیت اصلی موجب شده نثر رمان شما زلفش به زلف نثر متون عرفانی کهن ادبیات فارسی و به طور مشخص به تذکره‌الاولیا گره بخورد. چه ضرورتی برای حضور شخصیت میرعماد و به تبع او شنیدن صدای عرفان در داستان وجود داشت؟**

ادبیات فارسی به نظر من، بخش اعظمش ادبیات‌عرفانی است. مگر می‌شود من نویسم و پشت کنم به این گنجینه بزرگ ادب فارسی؟ نویسنده‌ای که متن کهن نخواند، بی‌سواد است. فکر کنم ما کمی دچار تعارفیم. نویسندگان جوان امروزی ما که بنده هم جزو آن‌ها هستم، بسیاری از آن‌ها ادبیات کهن نمی‌خوانند یا سیراغ آن نمی‌روند. البته گویا برخی نویسندگان قدیمی‌تر هم سراغ این متون نمی‌روند. من افتخار می‌کنم اگر کارم را در کنار تذکره بخوانند یا اگر کسی به واسطه رمان من یک بار دیگر تذکره را تروق کند. میرعماد همان‌طور که بیشتر گفتم خودش را به رمان تحمیل کرد. در عین حال من عاشق خطاطی‌ام و دوست داشتم ادای دینی کنم به هنر خط. شاید هم به قول دوستی، رضا تفتگیجی رمان من، همان میرعماد است و باید کسی باشد که همه این‌ها را ثبت کند.

♦ **رمان «چهل و یکم» را از جهانی می‌توان رمانی عاشقانه هم دانست. چه شد که عشق در این رمان پررنگ شد؟**

عشق یعنی همه‌چیز بدون عشق زندگی معنا دارد؟ کسی که عشق را درک نکرده باشد، چطور می‌تواند در مورد دوست داشتن خدا نظر بدهد؟ نبود عشق درد این روزهای ماست، بره برای رسیدن به عشق الهی باید عشق زمینی را تجربه کرد. در عین حال دوست داشتم در رمان زن عارف (عارفه ای) را داشته باشم که خود عامل اصلی حرکت و نیل به حقیقت شخصیت اصلی باشد. کدام مرد می‌تواند در مسیر حقیقت صم کند؟ باید عشق زمینی را تجربه کرد. در عین حال تمام زنان بزرگ ایرانی است که موجب موفقیت مردان شده‌اند و همواره در پشت صحنه حضور داشته‌اند

تازه‌های نشر

«راوی نامطمئن» با امضای شاعر به دست مخاطبان می‌رسد



آنیما: «راوی نامطمئن» عنوان تازه‌ترین مجموعه شعر منتشر شده حامد ابراهیم‌پور است که توسط انتشارات آنیما با بهای ۲۵هزار تومان در دسترس مخاطبان قرار گرفت. جشن امضای اینترنتی این کتاب تا پایان تیر در سایت نبض هنر پرباست و کتاب‌ها با امضای شاعر در مرداد ماه به دست علاقه‌مندان می‌رسد.

شهرت حامد ابراهیم‌پور به غزل‌سرایی و تجربه‌های فرمی و زبانی در غزل معاصر ایران است، اما او تجربه‌های موفقی نیز در شعر سپید داشته که از میان آن‌ها می‌توان به مجموعه شعر «مخاطب» به هزار دلیل دوست‌دارم» اشاره کرد که توسط انتشارات فصل پنجم در دسترس مخاطبان قرار گرفت. «راوی نامطمئن» از دیگر تجربه‌های سپیدسرایی حامد ابراهیم‌پور است. با هم اثری از این مجموعه را می‌خوانیم.

هنرهای تجسمی



عنوان کرد. این عکاس که از ارادت مردم به امام حسین (ع) عکاسی کرده است، در خصوص عکاسی از پیاده‌روی اربعین گفت: در طول چند سال گذشته زیارت پیاده امام حسین(ع) در اربعین شهداتشان فرصت مغتنمی را برای عکاسان به وجود آورد، زیارتی که ملو از شور و عشق و حرارت و ارادت است و جمعیت زیادی از شیعیان نقاط مختلف دنیا در آن حضور دارند و ثبت این عاشقانه‌های اربعینی فرصتی است که به لطف خدا و اهل‌بیت(ع) برای من فراهم شده است.

جشنواره، بستر تعامل میان هنرمند و مخاطب

خسروی با بیان اینکه همه هنرمندان دوست دارند اثر هنری‌شان در معرض دید مخاطب قرار بگیرد، کارکرد جشنواره‌های عکس را مثبت ارزیابی کرد